

عنوان مقاله:

سرشت شبکه ای دانش در قرن بیستم و ضرورت اتخاذ رویکرد شبکه ای

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های معرفت شناختی، دوره 8، شماره 18 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسنده:

رضا ماحوزی - عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

خلاصه مقاله:

علم در سده اخیر سه وضعیت جدی را تجربه نموده است. مطابق وضعیت نخست، علم یک حقیقت کاملاً مستقل لحاظ شده است که براساس منطق اکتشاف علمی، صلابت و برتری خود را نسبت به سایر دانش های غیر تجربی اعلام می دارد. در رویکرد دوم، علم به مثابه دانشی متأثر از نقش روانی و اجتماعی کنشگران خود، از اسطوره استقلالی پیشین فاصله گرفته و در عمل نشان داده است که پدیده ای اجتماعی است. برکنار از این دو رویکرد که اولی بر تمایز علم از غیرعلم و دومی بر هم آمیختگی علم و غیرعلم تأکید دارند، رویکرد سوم بر شبکه ای بودن علم تأکید دارد؛ شبکه ای که تمامی علوم و معارف بشری و تحولات اجتماعی و سیاسی و اخلاقیات فردی و غیره در سرشت آن دخالت دارند و تمامیت آن بر جهت و روش تحقیق علوم تجربی اثر می گذارد. اینجاست که علوم تجربی همچون دیگر دانش ها از رویکرد شبکه ای برای حل مسائل و موضوعات خود بهره می برد. این نوشتار درصدد است پس از توضیح سیر این سه جریان در تاریخ علم معاصر، ضرورت مطالعات شبکه ای دانش را تبیین نماید.

کلمات کلیدی:

علم، اسطوره استقلال علم تجربی، شبکه دانش، مطالعات شبکه ای

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1626179>

